

اخوان الصفا، جماعت فکری یا سیاسی؟
مرادی مجید

نویسنده: احمد صبری السید
ناشر: دار مصر المحروسة
سال و محل نشر: ۲۰۰۵ - قاهره

دکتر محمود اسماعیل، جامعه شناس برجسته مصری، در مقدمه‌ای که بر کتاب اخوان الصفا میان اندیشه و سیاست نگاشته، مدعی شده است که در تاریخ اندیشه اسلامی، هیچ جریانی را نمی‌یابیم که به اندازه جماعت اخوان الصفا از ابزارها و روش‌های چفت زنی و مبهم سازی - اگر نگوئیم توطئه معرفتی - برخوردار بوده باشد؛ چنان که تنها چیزی که از اخوان الصفا بر جای مانده، مجموعه رسائلی است که آن هم تقریباً از هرگونه اطلاعات مفیدی درباره تاریخ این جماعت تهی است؛ نتیجه سخن این‌که تاریخ این جماعت، هنوز نوشته نشده است. این کتاب از سه فصل تشکیل شده است: فصل نخست درباره مذهب دینی، فصل دوم نویسندگان و فصل سوم به تشکیلات سری و فعالیت‌های سیاسی اخوان الصفا می‌پردازد.

مذهب دینی جماعت اخوان الصفا

نویسنده در این فصل، به دو دیدگاه متفاوت درباره عقیده دینی جماعت اخوان الصفا اشاره می‌کند. دیدگاه نخست بر آن است که جماعت اخوان الصفا، جماعت روشنفکر فلسفی‌ای بود که گروهی از روشنفکران و فرهیختگان، از همه مذاهب دینی در آن گرد آمده بودند. دکتر محمود اسماعیل در نتیجه مطالعات خود، به این نظر اعتقاد می‌یابد که جماعت مذکور، حرکتی مذهبی نبود، بلکه حرکتی فکری بود که تحقق روشنگری برای تحریک آگاهی سیاسی، از راه معرفت را هدف خود قرار داد؛ از این رو روشنفکران دیگر مذاهب نیز بدان پیوستند.

«دی بوئر» شرق شناس مشهور می‌گوید: جماعت اخوان، جماعتی ستم‌دیده، سرکوب شده و سرّی بود که هیچ دعوتی را سر لوحه کار خود قرار نداد؛ هر چند برخی از آرائشان صبغه فلسفی و معنوی دارد و برخی گرایش‌های سیاسی را نیز می‌توان در آنها مشاهده کرد.

اما نظر این شرق شناس که عقاید نویسندگان را متنوع فرض کرده است، با توجه به ماهیت رسائل اخوان الصفا که تثبیت و اثبات عقاید دینی مورد اتفاق نویسندگان آن است، سست به نظر می‌رسد. افزون بر این، این نویسندگان خود به اجماع عقیدتی خویش اشاره کرده‌اند.

با این حال برخی معتقدان به دیدگاه نخست، گرایش مذهبی اخوان الصفا را رد می‌کنند و نمی‌پذیرند که اخوان الصفا تشکیل شده از گروهی نجبان مسلمان، از مذاهب متعدد و معارض بوده باشد. اینان بر آن‌اند که این جماعت، گروهی فلسفی (سیاسی یا غیر سیاسی) بوده و به هیچ یک از مذاهب دینی وابسته نبوده است. بسیاری پژوهشگران متأخر چون دکتر حسین مروه و دکتر فؤاد معصوم از این دسته‌اند.

اما دیدگاه دوم، یعنی داشتن صبغه دینی، خود به چند رویکرد تقسیم می‌شود: برخی معتقدند که اخوان، حرکتی معتزلی بود و متکلمان معتزله، رسائل اخوان را نگاشته‌اند. این عقیده خطا است، زیرا معتزله خود دارای حرکتی سرّی، تشکیلاتی و فعال بود که «واصل بن عطا» پیش از ظهور اخوان به راه انداخته بود؛ افزون بر این بسیاری از آرای این گروه با مبانی معتزله اختلاف ریشه‌ای داشت. مهم‌ترین این اختلافات، رد عقیده مخلوق بودن قرآن است که معتزله منادی آن بودند. عده دیگری هم معتقدند که اخوان الصفا، جماعتی شیعی است؛ اما بر سر این مسئله که به کدام فرقه شیعه تعلق داشته‌اند، اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی آنان را امامی اثناعشری می‌دانند و برخی دیگر آنان را اسماعیلی می‌دانند. نویسنده کتاب هم به این رأی اخیر معتقد است و تشابه عقیدتی اخوان الصفا و اسماعیلیه را فراتر از تشابه صرف میان دو فرقه متأخر از روش‌های فلسفی واحد می‌داند.

نویسندگان رسائل

چه کسانی رسائل اخوان الصفا را نگاشته‌اند؟ یکی از مشکلاتی که پژوهشگران در راه شناخت نویسندگان رسائل با آن مواجهند، وجود متنی پریشان از ابوحنیف توحیدی در کتاب «الامتناع و المؤمنة» است که در آن وی برخی اشخاص مقیم بصره را نام برده و از نویسندگان رسائل معرفی کرده است: زید بن رفاعه، ابو سلیمان محمد بن معشر البستی معروف به مقدس، ابوالحسن علی بن هارون زنجانی، ابو احمد المهرجانی، و العوفی.

غالب پژوهشگران، اهمیت این متن را از آن رو دانسته‌اند که قدیمی‌ترین سندی است که به اخوان پرداخته و نام برخی اعضای

این جماعت را آورده است. به هر حال این متن نقاط ضعف بسیاری نیز دارد. تاریخ اسماعیلیه، به عنوان حرکتی با ماهیتی متفاوت (چه به لحاظ شکل پیدایش و چه به لحاظ عقاید)، با شیوه‌ای که این رسائل تنظیم شده‌اند، هماهنگ و همخوان است. فقره‌های نخست این رسائل، به شیوه‌ای رمزآمیزتر تنظیم شده است که با روش امامان اسماعیلیه، برای پرهیز از برانگیختن حساسیت بنی عباس (دشمن اصلی‌اشان) در پیش گرفته بودند و با فرقه‌های دیگر، چون سلفیه، معتزله و حتی شیعه سازگاری دارد. همه فرقه‌های مخالف یاد شده، در رسائل اخوان مورد هجوم و سرزنش قرار گرفته‌اند. در بخش‌های اخیر رسائل، اهداف و مقاصد مذهبی و سیاسی اخوان، به لحنی نظامی و متناسب با بلند پروازی‌های سیاسی امامان اسماعیلی که با نخستین پیروزی‌های سریع و غیر منتظره‌شان در عراق و یمن شکل گرفته بود، بیان شده است.

از شاخصه‌های اخوان الصفا این است که از سوپی عقیده غیبت را که شیعه اثناعشری بدان معتقدند، رد می‌کند. از سوی دیگر، نویسندگان رسائل اخوان، چنان وانمود می‌کنند که به امام دوازدهم (مهدی منتظر فرزند امام حسن عسکری) امام دوازدهم امامیه ایمان دارند. مؤلفان رسائل نیز از رهبران مذهبی اسماعیلیه بودند و نه از افراد عادی.

تشکیلات سرّی و فعالیت سیاسی

اخوان الصفا برای تحقق اهداف دینی و سیاسی خود تشکیلاتی سرّی ایجاد کردند. متون متعددی در رسائل وجود دارد که شامل تعالیم اخوان به نمایندگان جماعت در مناطق مختلف است. در این تعالیم برخی ویژگی‌های روش دعوتی آنان، مانند پایبندی شدید به روش سرّی در طرح علوم باطنی، طرح تدریجی عقاید برای دعوت شدگان و عدم اظهار علوم باطنی جماعت در برابر غیر اسماعیلیان مورد تأکید قرار گرفته است.

در فقره زیر این آموزه‌ها تصریح شده است: «شایسته است برادران ما - که خداوند مؤید شان بدارد - در هر جای بلاد که هستند، جلسه‌ای خاص داشته باشند که در اوقات معلومی گرد هم آیند و جز ایشان، کسی در این جلسات وارد نشود و ایشان در این جلسات علومشان را یادآوری کنند و پیرامون اسرار خود گفت و گو کنند».

به نظر می‌رسد که عبارت اخیر، به علوم باطنی و سرّی اشاره ندارد، بلکه به مباحثات رؤسای دعوت، پیرامون فعالیت‌های تبلیغی و تحرکات سیاسی و نظامی نظر دارد.

جماعت اخوان الصفا تشکیلات خود را برای اهداف سیاسی تأسیس کرد و تعلیم و ترویج اندیشه‌های فلسفی روشنگرانه و روشنفکرانه خود را، ابزار و پوششی برای تحقق آن اهداف قرار داد. این امر از برگزاری مجالس علمی‌ای که رهبران اسماعیلیه در دو سطح علنی و سرّی برگزار می‌کردند، آشکار است.

پژوهش احمد صبری درباره اخوان الصفا، نمونه پژوهشی عمیق و بی‌طرفانه است و نویسنده بدون ذهنیت پیشین با متن‌ها و سندها روبرو شده است.